

مذهب شاه (ظهوری)

تاریخ نشر در سیمای شغنان: ۱۳ جدی ۱۳۹۱

(ظهوری) ، آتّه، مهنگ خاتون (ترياک) نثیدت وُخُد

تیرت ، تگاقم ، بنکود
 تویم ، آ، افیون ، فرود
 تورهن، یاسهن، توپیخ تهر
 توخهم کورت، توغها مهر
 ترؤ ، یه ، باهم ، نتهم
 یکدگر ، پیخهن ، چسهم
 توبیبرمت ، بی تمیز
 چیزت مردم ، خیز عزیز
 توفهم خو ، تُت مهاجر
 اُروده، فورج ، توتاجر
 دنی توجای، اصل از چین
 ارودت ، پارثد ، زروین
 تاریخندت ، بغیر بُدج
 فکر کنم ، جاپون قنچ
 بیست هزار، بکند افیون
 پتهو جهن ، دریا درون

چينت جاپونند ، فَنج نهد
 افيون توغم ، يكتهم نبيد
 چينت جاپونهن ، نيد چورج
 تو همنوم جهت ، لپت مورج
 تو همنومهن ، چورج بي آب
 ايهن وم چورج ، به عذاب
 ازچينند هن ، وم زواسچ
 تر افغونستون ، رخاسچ
 توييت دثشچ ، وم وارث
 بد بختيت ، سخ باعث
 مردومت چورج ، در بدر
 خو ظلمند ، اي بي پدر
 توظلمنهن ، بي حساب
 فكت خه لوم ، سؤد كتاب
 يويولوم ، ازهر چدوم
 تونغورت ، وز ويث لوم
 از وخونند ، تا ريشون
 از زيباکند ، تاکرون
 چيد پس چيدت ، سخ بلد
 فكت فهمه ، باولد
 حتی فهمه ويث ، بابهن

ويقت مس چورج ، بي آبهن
 هرچي چيدنت، خه ديئج
 ويقا زنده گي ، فكت بيئج
 فك خيزت شيرين ، خوچورج
 ويقا رهنكت گوبنتت، توخورج
 يوک نَسْت، بنرمنده
 سيخن فكت ، تورده بنده
 توبوي خه قيد ، ترثلتين
 وهرگهن جناو ، غمه بنهن
 توبوي خه يائد ، عين از اثر
 توجهت ژازهن ، برتر بر
 يه سات قيه ، ترپهله
 تودهرژندهن ، چپاله
 جادوگرت، تو افيون
 چورجت فكت، تو افسون
 كهخك انجوقد ، تايه يار
 تويهن ، په غهف داد ، پزار
 يه چند وه كهل ، تادهرژچود
 بنپستين ، دوند تو خود
 وبنتكه مس ، خه وهغد بنهب
 وه نهن لوده ، مندك تهب

چودهن وه غهف ، بنپست خيبن
 يا وه نهنت ، يا وم خيبن
 نهن مغوندت ، ناز وه داد
 تو ناز دهند ، خو دم وه ياد
 خويت دهرژرد ، دوا چود
 ده فعل تيت ، فك خون خود
 نشهنديهن ، اروم ست
 يوت يوين ، تورد ، روم ست
 تويهن لود ، راستهت دوا
 نفهتهن ، چورجت جفا
 ده فعل تيت ، چود ويثا گير
 بريپتت ، ويقرد ، ستت تير
 غهخت غځه يت ، داد فهند
 خو نشهندهت ، چود ويثا بهند
 جوونينت ، چود خراب
 خو دد بويند ، توبي آب
 جوون گل رهنگتير ، خه قد
 خو ، ياخ درونت ، وه تد
 غهخت خه وينت ، لودت مهست
 وم داد تو جهت ، وم بنهست
 اربابينت ، اقسقال

چودت ویف ، بی حالت مال
 فهمیده ، قُود ، معلّم
 وردت مس ، دهک چود چلم
 وه معاش مس ، توتّه توید
 قزهن رهنگتیرت ، وه ڈوید
 خلیفه یهنّت ، فهند ڈاد
 خودهم تیت ، ویف مس یاد
 پیرهن خیزت ، خاطر دار
 توجهتھن ، وهڈنا قرار
 پیرت ، جوونت ، خُک
 غهخت ، غڌه یت ، برنک
 چورجت ، خوجھت ، پیلون
 بنهبت ، میتھن ، سرگرٹون
 ویف زنده گھت ، چورج خراب
 فکتت چورج ، به عذاب
 توجهتھن ، زمخھن پرڈاد
 باغت گزت ، چیدھن ڈاد
 بنیجت ژاوت ، قارجت قهرخ
 توڈت بناجت ، غوزت پهرخ
 مروت وهرگت ، قزت شیگ
 تاتچت چبت ، غوبنخت بیگ

فکتین ڈاد ، تو پولند
 حیرونهن ، ست ، توغولند
 توڈت ناشت ، غوزت وید
 تو یاخ درون ، فکت بید
 قهرخدار تہت ، ڈاد حوالہ
 چودت ویف ، چید قوالہ
 قهرخدار سٺ ، ویقرد برزین
 توجہتہن ڈاد ، خورزین
 اندایدہن ، ڈادہن ، خوتخ
 ناچار پرڈادہن ، خو یخ
 چودہن پہ روز ، فکت پُف
 قاق سٺ ویف نایند ، ویف تف
 دہ رهنگتہت ، چورج ، تو افیون
 مویت مس چورج ، جگر خون
 تو ظلمند یرم ، حیرون
 خوړنونت چورج ، توویرون
 مردمت چورج ، پریشون
 غلت مس نست ، تو بنیمون
 خوردت نو جای ، قا ، قرود
 دِگہ ظلمت شروع ، چود
 تر وہ رویہ یت ، زبَد

ویف روزت مس ، چود توبد
 په هرچندهتت ، وراقد
 ویف گریبون تهت ، نذاقد
 هرچردت ، لود ، خو ، داره
 چودهن ، تورد ، عذرت زاره
 ویفت مس ، چود خماری
 از ویف دل بیید ، قرارای
 وهژهن مس ست ، سرگرتون
 پستاتهن ست ، پلینون
 خودهمهن چود ، تر بیرهج
 بلندن چود ، خو فیرخهج
 چلمهن ثاد ، خو غهقند
 پفتهن توژد ، وژومند
 نشهدیت ویف ، غرق چود
 پرژادت ویف ، هستت بود
 هفتاد سالهن قد ، بی غم
 از پلکت ، از چلم
 چودت ، ویف مس مبتلا
 په خودهرژهن ، ای بلا
 ورس طلسمت ، قرؤبنت
 وه ظلم برنخیلت ، زدوبنت

هر ځوندهن ، يت توتِه، غاو
 ځادت خو عين ، تر مسکاو
 تایدت یمند ، تر قرغز
 ازمت تاید ، تر ، تر رمز
 اروپایت خو ، فرهپت
 نقرځاد ، په یار ، توتھپت
 انقلاب اکتوبر
 توت مس چود ، زیرت زیر
 امریکانای مس ، نځاقد
 په جاندهتت ، نوراقد
 په یار گھپ ، ځهداو نبافت
 تو پوند ، انجیقداو ، نبافت
 خو خوش ته شچ ، دورون که
 هر جاسهوت ، ویرون که

مهنګ خاتون (ترياک) ځهد

ظهوری توت ، لپ ورقینت
 از مو پیخ تهت ، پرځه سهنت
 مویت توچود ، لپ بی آب
 تو گھپ ته نست، موند دس تاب

مویت تو لود ، ظلمم چورج
 بدبختی یُم مس ، وُز قورج
 توگهپ ته یُم وز ، پرڈاڅ
 مردم باغت زمخُم ، ڈاڅ
 لودت چورجُم ، حواله
 چیدم مس ڈاڅ ، قواله
 بعضینهن ڈاڅ ، خو یخ
 وه یت مس ڈاڅ ، موته تخ
 یه لهقهن ڈاد ، خورزین
 وه تهت مس سَت ، مورد ، برزین
 فُک گناه یت ، موته ویڈج
 مو گناه یندت ، تو دیڈج
 مو تیر مکن ، تاختت تاز
 لپت مکن ، قهرت ناز
 خو پوند فهمم ، وز خوبت
 تو پروایم ، نست هچت
 هچم نست ، گنهگار
 فُک گناه ، از افیون دار
 اُزودهن ، سَت فیض آباد
 یاپخینت ، یاویف داد
 یه لهقهن ، سَت هر بارک

از مویهن ، قود ئیس چارک
 یا جرْمه ته ، یا خاشه
 یا مرکهب ته ، بتاشه
 ئیس سیره یهن ، ویز مو چود
 ئست بسته یهن ، آرود ، قود
 لپ نسقنهن ، مو چود
 به ظلمت جورین ، مو قود
 بزورین ویثد ، هر خلته
 مونای تیرین ، چود حلقه
 مولند یهن مس ، مو ڈاد
 حتی نقوده ، مو خاد
 تر خو بیستهن ، مس ربوید
 ویف عرق مُرد ، فکت توید
 کوه تر کوه یهن ، مو کره بنت
 از بناجهن ، ئیس جاند ، وه بنت
 مویهن فرهپت ، بصد جور
 مواتاره سُنْت ، لپت غور
 بونکنهن یِت ، تیرین
 چارکنهن ژه بنت ، بیرین
 کمپیر مس ، مو جهت ، ژه بنت
 تامو خیزرد ، خوند جا ، وه بنت

به یهله ، یهن ، تر مو ڈاد
 لودت بغیر ، یتج ، ویف داد
 مورهنگت بویهن ، تاچوبنت
 از خو اولادهن ، رنوبنت
 هر چهی یتت ، مویه ، یاد
 مویهن یادت ، مالهن ، ڈاد
 په سهخکهن چود ، مو چوست
 موکھلت ، دهمهن ، ڈاد ڈست
 لوڈم بغیر ، کنهن لاغ
 پُلکتیرین ، مو چود داغ
 مو ڈد ، اندوید ، بر فلک
 جغخکم ست ، تر پُلک
 مو جغخکهن مس ، چود تیر
 مو تیرین خود ، بنخ قتیر
 ظهوری موند ، ید مو حال
 غلت کنه ، قیلت قال
 جرمت خاشم ، قد آروم
 آرودم ست ، هم بد نوم
 هم ، هر چهی خورد ، هر نهخن
 کنهن مو داغ ، تر سهخهن
 دنی په جرم ، اته خاش

مو توغم ، ڈھڻن ، هر جا پاش
 يو يو ، ڊهڻن ، هر پآه
 كالک ، ڏهڻن ، کوکله
 څه زهن ، از مات ، مو غزه
 کدند چسهن ، مهش مزه
 مو حاصل ، زه زهن ، لپت
 نخهرين ، دوناک ، خوبت
 ويڦا ، چيدنڊم ، کوتره
 بنهبت ، ميتم ، يکسره
 نوينتم ، يوک ، مو تاژد
 په چه ، نوينت ، مو جهت ژازد
 هر مشرقت ، هر فراه
 فکتين فد ، مو همراه
 يوک نست ، مو ته گير
 نه ويڦا ، جوون ، نه ويڦا پير
 ظهوري مات ، چود بي آب
 غلبت مس ، ڏهم تورد ، جواب
 لودت ، چورچم ، وُز ، بدبخت
 خيالی مردم ، وز ، بدبخت
 شچردم ، فهمت ، تو نظر
 از توفکرُم ، ست خبر

یعنی خه قید ، لب افیون
 هر چهی خورد ، کبنت ، لب شوقون
 یعنی خه قیم ، لب ، ارزون
 یا ملکند ، قیم ، فروون
 هر چهی خورد ، زهدت ، موتاژد
 غلہت ، خلک ، موجهت ، ژازد
 توگهپ ، ردم ، وز افیون
 تو مس کئم ، جگرخون
 دهڈ تو ، گهپهن ، بی اساس
 فکتت ، لود ، بی قیاس
 افیون لپه ، بی تاثیر
 به فکر تهت ، هبنيار تير
 مثالئم قود ، تور د ، پيبنتر
 رنوبنتت ، لوقم ، از سر
 ترکري ، ته ، تربتاش
 هم په جرمت ، هم په خاش
 هر مشرقت ، هر فراه
 یوين ، نست ، وهڈ ، براه
 وهڈ مردمهن ، سرگرئون
 تامو ، جهمهن ، فروون
 بنهبت ميتم ، ويڤا چيدند

نَوِينَتَم ، افيون تيژدند
 په غهف مسک ، دوند ، نژهن
 موقاق ، غزه مس ، نخهن
 نسُت ، يوک ، افيونی
 نه يت ، ويقرد ، زبونی
 حتی رخیتت ، ویف ، نادون
 افيون ، تيژد جهت ، ڈیس ، میدون
 خه ژهژده مس ، مو ، شچ سیچ
 لوقم ، خوگهپهن ، تورد ، خيچ
 تمه ، قتیژم ، حیرون
 هم پیرینت ، هم جوون
 از خوړنوند ، تاربنون
 افيون تهژهن ، بی نبنون
 فکت تو ، قوم ، فهمیده
 سخهن ، چیزد ، مورد ، بنده
 از یکسرهن ، باسواد
 هم پخهننت ، هم ، ویف داد
 په لهقهن ، وهژد ، معلم
 پیبهن ، قروبنت ، فک چلم
 افيون دارین ، بی آب ، چود
 افيونی یهن ، بی خواب ، چود

ویف قُرسِت ، شِچ ، بَر فُلک
 ویف خیرت ، مهست مس ، پُلک
 ویف خَمنهن ، پَر خمار
 لوفه ، بَغیر ، وهڈ ، بیمار
 وهڈ یه لهقهن ، مامورین
 یه کهل گه یهن ، افسرین
 مو ، دهمتیرین ، سر گرثون
 یه سات نقیم ، وهڈ ، حیرون
 پیرت ، خلیفه ، رهبر
 پیبنهن قَد ، از مو ، بدبر
 افیون تیژد ، شِچ ، ویف عمل
 خوبت ، فهمهن ، ید ، زل
 سحر ، تاقیگه ، چپاله
 پلکتیرین ، یک پهاله
 ویف ، وظیفه ، اکثره
 کنهن ، مردم ، رهبره
 از اقسقال ، تا ، ارباب
 مدوم ، مو ، جهتهن ، کباب
 از باسواد ، تا ، ناخوان
 مو جهت ، فکت ، غزلخوان
 ظهوری ، مات ، چود ، بی آب

قاگه ، مس لوم ، تو ، جواب
 ده باره‌ند هم ، فکر ، چود
 گنه‌گارم ، وز ، ق‌رود
 حقیقت گه‌پ ، م‌که پو‌بن
 بی گناه ، ا‌فیون فرو‌بن
 مه‌ش ، قر‌ته‌کند ، گناه نست
 گنه‌گارند ، پناه نست
 ا‌فیون‌ند هت ، ف‌ک ، قصور
 په چ‌ند گناه ، نست ، پ‌زور
 چه‌یه وه ، لود ، ا‌فیون تاژد
 خو مال‌ثیدت ، مو جهت ، ژازد
 هر‌خوند ، خه ک‌بنت ، کاکه‌گه
 وه نوم ، بدت ، ا‌فیون‌ه
 چ‌و‌رج ، خو روزگار ، خراب
 بی مو ، و‌ند نست ، خوردت خواب
 تومن‌ت ، ق‌د ، بی حساب
 خو فهم‌چاژم ، لود ، جواب
 ظهوری ، به‌س ک‌ن ، مو ، بناج
 تو مال‌کن‌دم ، ش‌یج ، رواج
 تو قصه‌ندیر ، په یار نست
 تو گه‌پ‌ند ، قدر ، پ‌زار نست

راستی گهپند ، فکت زهر
 حتی ، اولاد مس ، سود قهر
 مکه خو ، لپ ، شتقره
 لکه ، خو ، شاعر گره
 موزارڈ ، لپت ، توتہ ، تُود
 دوند جہتم ، وُز تورد ، دہ لود

ظہوری

اندخ ، آ ، افیون خہ ، بیس
 نُت ، وُم چین ، افیون نبہس
 مردمینت ، چورج ، پہ کنج
 نلہکت چورج ، پہ چند ، لُنج
 توفہمت ، افیونی ، فہمت
 توتہک ، ورد تهن ، یہ تورد ، تہنت
 بنبت ، میتیت ، یکجایہ
 نسُود ، تمنند ، جدایہ
 پلک تہ ، فہمت ، تمہ راز
 چلم تہ ، فہمت تمہ ساز
 تکیہ مس ، لوقد وُز دمساز
 تمہ قصہ ، لپ ، دراز

نځهڼم ، وځ دځه ، گهپ
 راست ، وځ ، تيمت ، تمه چهپ
 تمه قتير ، نست ، موند کار
 از دس کارم وځ بيزار
 مهش ملکرد ، قيد بدنومي
 همگه ، بنهست ، آرومي
 مودل تير ، سُود ، يانسُود
 خودل ، دهرځم ، فکت لود
 فهمچازهن ، تصديق ، کنهن
 تمه ، کارين ، تا ، وينهن
 ظهوري کن ، خو گهپ ، کُت
 توگهپ ، گدند ، عمل ، سُت
 کدند نغورهن ، توگهپ
 بيده ، از ويځ ، کن ، خو چهپ

۳۰-۲-۱۳۷۴مزار شريف

مهنگ خاتون (افيون) ځهد بعد از ځقار سال

ځرت ، قريبم ، بنکود
 توييم ، ظهوري ، قرود
 لپم بنکود ، هر ، خوړنون
 توندم نقود ، دوند نينون

لودهن ، ناو سال ، پوره سڅج
 هرخوړنونت ، تونقڅج
 فکتین ، لود ، تټ ، هر بلخ
 مو اوقات ، سټ ، یمند تلخ
 از قهرم ، تاید ، پیانده
 یاسچ ته ، هر ، یاغورده
 هر بارگم ، خو ، پتهود
 بازارند ، موتر ، نمهید
 موتر تیرم ، سټ ، سوار
 خټار ، میت تیم ، یت ، مزار
 بنهرت ، روضه یم ، بنکود
 یه جانده یم ، تو ، نقود
 کارته ، تر کارته یم ، ژهبت
 توجهتم ، خوند ، جانده ، وهبت
 از هر چی یم ، چود ، سراق
 موتف ، مونایند ، سټ قاق
 آخرردم ، توچید ، قود
 خوزهره یم ، ترخو ، چود
 دقه تیرم ، تق تق ، چود
 یه آدم ، ازچید ، نبتوید
 از تو یم ، پیبخت یه ، کهی

چوده ، خوكهـل ، چـپـلـه
 لوده ، دوماه سُدج ، يـه ، تويـج
 پاڪ ني ، سُدجت ، طالب خورج
 دوند جهت ، يـه تويـج ، پاڪستون
 ترك ، چود ، افغانـستون
 ترخو ، حولى يه ، مو ، ويـثـج
 خو چيد ته يه ، شـج ، مو ، نهـثـج
 سى سالند ، قـد ، هر مزار
 ترك شـج ، چورج ، مه ديار
 ده گهپ ته ، ميت مورد ، بنهب سـت
 موجون كشت ، پر تهب ، سـت
 ده دوند ، زحمت ، هدر سـت
 خورنوني خيل ، خبر سـت
 بنپستتـم ، يت ، بنـدر
 يمند تيار ، قـد ، موتر
 كابلـجـم ، روون ، سـت
 خـقار ميتـتيم ، كابل ، يـت
 تر هوتلم ، يمند ، دـهد
 كابلندم ، يـه بنهب ، ريد
 گدم سـت ، سحر ، تر كاروون
 پشاورم ، سـت ، روون

موتر چود ، کُرت ، پُر
 قیگهر دُم ، یت ، پشاور
 مهمون ، خونه یُم ، فرود
 تو نومم ، لستند ، بنکود
 تو نومم ، قود ، یه لستند
 کراچت ، تو یج ، یه ریلند
 ده دُم ، وُز مس ، یه خیالند
 کراچیم ، یت ، یه ریلند
 از ریل تیم ، خهقد ، لب خسته
 نه پوندُم ، فهمت ، نه رسته
 ری دُم ، خو جای ته ، حیرون
 چدوم ، پوند تیر ، سهم ، روون
 بناکفند ، دولت میر (۱)
 تاقه یت ، ثاد ، په مُندیر
 از هر جایم ، چود ، سوال
 پینختم ، از تات تو ، احوال
 تر ، امین آباد ، نینون
 توجای ، قُد ، ستهم روون
 خود دل خونم ، لپت ، خود
 شچردُم ، یُدد ، تو ، قُود
 تو ، ته ، شچ سُست ، نلکم

تا آخريخ ، شرهتتم
 يكبار نتهم ، قا ، باهم
 قصه كنهم ، مهش ، پيهم
 نريثجت ، از ثستت ، پاڻ
 توگهپهن ، ناگ ، تو ، بياڻ
 خقار سال ، پيبن ، هر مزار
 مويت ، تو ، چود ، بيقرار
 وُزم ، نقَد ، مالمومت
 مويتهت ، تو چود ، لپ تهت
 لودت ، موجتهن ، پرڻاڻج
 باغت ، چيدت ، ژاوت ، فارچ
 لودت ، چويرجُم ، دربدر
 خورنوني خيل ، از يكسر
 باغت زمخت ، ژاوت ، فارچ
 لودت ، موجتهن ، پرڻاڻج
 موجايت ، لود ، اصل ، از چين
 مهاجرم ، فِخ ، يقين
 موجاي ، شِچ ، افغونستون
 مو ، بودت باش ، بدخبنون
 ده دوند ، سالنَدُم ، خه فِخ
 دو صد ، ساله يُم ، خه سِخ

نَسْتُج ، مَوْجِهَت ، اِنْقِلَاب
 يِه چِهْم ، نچوِرج ، دس كباب
 بدبيني يُم ، دس ، نَقوِرج
 يِه يار ، مَوْجِهَت ، مس ، نموِرج
 نَقْتُج ، مَوْجِهَت ، شور مشور
 نزاينچهن ، قِصَدت ، قِصوِر
 ظهوري ، تُّت ، بي خبر
 خوِرنوني ، سُّتُج ، دريدر
 نَوِينچَت ، وِيف ، حالت روز
 وِيف ، حال ، اَتِه ، كهنه دوز
 از مويهن ، سَت ، وهڏ ، بيزار
 خارجي ، سُّت ، يِه وِيف ، يار
 مستر ، پودر ، از لِنْدن
 چوِد ، از خوِرنون ، ديدن
 انگرينهن ، لپ ، چل باز
 هرچاكنهن ، تاختت ، تاز
 بنبت ، ميتِه ، چوِد ، تلاش
 جهْم چوِد ، پير ، اته ، ياش
 لوِد ، وُزْم ، سر شناس
 فِكْت ، قَتيم ، در تماس
 لوِد خو ، دارت ، طبيب

لود ، وُزْم ، بى رقيب
 لود ، جوونهن ، مو ، جهت
 نفهمهن ، نهن ، اته ، تهت
 دهرژ دار ، خه تاژد ، دوند ، مو ، ڈد
 ڈيس ساله ، دهرژ ، لو ، نقد
 يه يار ، خه كينت ، پيچكاري
 مستند ، بيست ، بيماري
 تر ، اروپات ، امريكا
 جوونينردم ، دوا
 مو اصل ، نوم ، هيروهين
 جهان ، تيرم ، نازنين
 هر چهى ، خه كينت ، مو ، ته كار
 سؤد ته ، يه ، بايت ، پولدار
 مهش خيل ، لب ، هر پاكستون
 شچهن ، يتچ ، افغونستون
 جوونهنهن ، فريب خود
 پودر ، گهپهن ، باور چود
 خبنهن ، په وندير ، خوژاد
 رنوبنتهن ، نهن ، اته ، داد
 فكرهن ، نچود ، پيښت پس
 نفهمتهن ، خوب ، اته ، خس

قهپهن ، وه ڈاد ، خو ، تایدن
 بنخن ، تر تیر ، وه ، یادن
 تر ، وه رویه یهن ، وه ، یاد
 جنست، دالر ، ته یهن ، ڈاد
 آزمهن ، یت ، با فایده
 جیبک ، لپت ، پر خنده
 فایهن ، پیڈا چود ، پودر
 قوستهن ، خبنت ، خو ، کمر
 ورویہ یهن ، قاگه ، ست
 دالر دارهن ، قاگه ، یت
 فایده یهن ، چود ، پودر تیر
 دوند جهتهن ، وهڈ ، خود ، فرخیر
 ازخوند ، تامردم ، پودر
 هر بنه یهن ، یاد ، از وه ، بر
 حتی ، خفتهن ، پودرهن
 بعضی یهن ، از ، دیگرهن
 پیڈایهن ، چود ، بیپارهن
 فرتکهن ، چودلپ ، کارهن
 ویف ، فسک ، ست ، وڈومند
 نفهتهن ، ریڈجهن ، دومند
 بدبنه یهن ، پودرهن

فرهپتهن ، تر ، بیپارهن
 یه لهقین ، تر خرغ ، ڈاد
 یه لهف ، گه یهن ، په اوش ، یاد
 یه لهف ، گه یهن ، یاد ، تاشکند
 فایده جهتهن ، ڈاد ، لبخند
 تر ، دوشنبهت ، بلا روس
 یادین قرار ، از ، فلوس
 فک ، ملکردهن ، چود ، تخیرم
 آرومی یهن ، ڈاد ، قیدیرم
 جوونهن ، ست ، معتاد
 رنجهن ، ڈاد ، نهن ، اته ، داد
 ید قُد ، قاچاق برین ، کار
 تر خاتهن ، چود ، مردم خوار
 مردمهن ، چود ، پودره
 فک ، خیزهن ، ست ، شتقره
 مهش ، اموم ، ڈاد ، فرمون
 از خرغند ، تر ، خوړنون
 قاچاق بری ، مکنهت
 په حروم ، مال ، مه فآیت
 خونه ته ، کبیت ، ید ، ویرون
 خوبت ، سهت ، آخر ، بنیمون

وُرُوس ، لوده ، بهس ، کنهت
 تاشکند ، لوده ، لهکنیت
 تاجک ، لوده ، بهس ، ده قیت
 قرغز ، لوده ، بئرم ، کنهت
 مهش ، مَرْدُمینیت ، پِژْد
 نبافت ، تمه یاخ ، وِزْد
 قاچاق برین ، بی گفتم
 لودین بغیر ، یم پول ، مفت
 اموم ، گهپنهن ، نزابنت
 حلال ، حرومهن ، ابابنت
 قاچاقهن ، چود ، دَووم دار
 دُستهن ، نتیژد ، از ، خوکار
 آخر وُرُس ، سُت ، ناچار
 ازظلمت ، زور ، زابنت کار
 قاچاق برین ، دهم ، ته نوست
 په لهقندین ، ویف ، دُست ، فوست
 خو دهم ته ، یاد ، ویف ، ملیخ
 په چندین ، دُاد ، ویف ، پس پیخ
 تر محبسهن ، ویف ، پتهود
 کُد ، مغوندهن ، ویف ، غرهود
 ویف آبت ، آبرویهن ، یاد

ویف ، زندہ گی ، سَت ، برباد
 یہ لہقین ، ڈاد ، ہر دریا
 تر غور ، نہ یَت ، ویف ، صدا
 غرقہن ، سَت ، دریا درون
 قومنہن ، سَت ، جگرخون
 ویف ، یہ لہقند ، ویف ، پودر
 وُرسِنند ، ویف ، عسکر
 پرجوقدہن ، از ، وہ رُویہ
 ویف تارہ یہن ، چود ، قورہ

۱۵-۱-۱۳۷۹ کراچی پاکستان